



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

صص ۱۵۹-۱۳۱

مناطق مساعد برای میزبانی حرکت‌های رادیکال سلفی تکفیری در جهان

اسلام: گمانه‌هایی برای دهه منتهی به سال ۱۴۱۰ شمسی

دکتر قدیر نصری* - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

چکیده

در آستانه آغاز سال ۱۴۰۰ شمسی، می‌توان بر فراز قرن‌پنجم پرماجر ایستاد و سرشت و سرنوشت سوانح گوناگون این سده‌ی لبریز از نصیحت و عبرت را از نظر گذارند: از جنگ‌های بسیار پرتلفات جهانی و تأسیس کشورهای جدید با چندپاره شدن کشورهای مستقر تا مداخله‌های موسوم به بشردوستانه و جنگ‌های نیابتی. اما از میان این سوانح خطیر، جدیدترین آنها یعنی تأسیس دولتی اسلامی در بخش بزرگی از سرزمین سوریه و عراق، حاوی درس‌های استراتژیک و ارزشمند است. متأسفانه سانحه و واقعه‌ای به این عظمت، در کشور ما به دست اصحاب ایدئولوژی و ژورنالیست‌ها و محققان میان مایه سقط شد در حالی که ایرانیان و آکادمی‌های ایرانی می‌توانستند بواسطه درگیر شدن قهری ایران در این ماجرا، به ریفرینس بین‌المللی در باب ارکان و آینده داعش و گروه‌های مشابه بدل شوند. مایه بسی خسران و یأس است که استادان ایرانی برای فهم ریشه و شیوه و آینده حرکت‌هایی از جنس داعش به منابع غربی پناه بیاورند در حالی که جنگ در همین نزدیکی ایرانیان رخ داده و هزاران ایرانی مرتبط با این جنگ بی‌ظنیر، علی‌الاصول خزانه‌ی داده و تحلیل می‌توانند بود. به هر ترتیب، امروز آتش ادعاهای داعش فروخته است. گمان اول و ساده‌اندیشانه این است که داعش از بین رفته است و راه مقابله با ظهور مجدد آن نیز تقویت نیروهای ویژه ضربتی و ضدتروریستی است. پرسش اساسی اما این است که با فرض امکان ظهور مجدد داعش یا گروهی مشابه آن، مساعدترین منطقه جهان اسلام برای بازیگری این گروه خطرناک کجاست و نشانه‌ها و علائم میزبانی داعش کدامند؟ پژوهش حاضر با علم به ادبیات گسترده‌ای که در زمینه گروه‌های سلفی تولید شده، در پی طرح نکته‌ای دیگر و تازه است. سعی نگارنده، معطوف به آزمون این فرضیه جذاب است که اساسی‌ترین رانه در انتخاب داعش القاعده از جانب جهادی‌ها، «احساس اشغال» است و اصلی‌ترین نشانه برای تخمین مکان ظهور داعش یا شبه‌داعش هم عبارت است از مفهوم بی‌دولتی یا Statelessness.

کلید واژگان: بی‌دولتی، حکمرانی زمان‌پیش، تأخر اجتماعی، احساس اشغال، نکایه، ادارت التوحش و اصل تمکین (مقتدرسازی).

۱. مقدمه و بیان مسئله

مقصود نگارنده از مسأله یا Problem این است که به‌رغم انبوه توصیف و پاسخی که در باب داعش و القاعده ارایه شده است هنوز دشواره حیاتی به جای خود باقیست. با اندکی سهل‌انگاری در منطقه شامات و عراق و حتی مصر، هست‌های خفته داعش فعال می‌شوند. گزارش‌هایی که در بهار امسال در باب خیزش دوباره داعش منتشر شد عمیقاً نگرانی‌ها را برانگیخت! داعش فقط در آوریل ۲۰۲۰، ۵۵ عملیات انجام داد که ۵۴ کشته بر جای گذاشت (Hincks, 2020). گروهی از محققان مباحث جهادی هم نتیجه تحقیق خود را در روزنامه تیمز منتشر و ادعا کردند که وضعیت کنونی داعش را می‌توان در این سه کلمه خلاصه کرد: گروهی هم‌چنان کشنده، با فنآوری پایین، کم‌هزینه و هسته‌هایی منتظر و مستقر در نواحی غیرشهری (Alissa, 2020). داعش با این که ضعیف شده اما به زودی می‌تواند قدرت بگیرد. طبق یافته‌های آن گروه پژوهشی، هم اکنون یعنی در بهار سال ۲۰۲۰، حدود ۲۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ داعشی در عراق و سوریه پراکنده‌اند که اخیراً با شروع زمزمه عقب‌رانی آمریکا از منطقه و مشغولیت دولت مرکزی عراق با کرونا، جان گرفته‌اند حتی برخی از آن‌ها بر این باورند که کرونا فرستاده الهی برای انتقام داعش است! (Hincks, 2020). آنچه این عده را مصمم نگه داشته است این است که اولاً جایی برای استقرار ندارند و ثانیاً بسیاری از برادران و اقوام آنها در جنگ‌های اخیر کشته شده‌اند و انتظار برای انتقام آنها را سر پا نگه داشته است. از سوی دیگر برخی از خانواده‌ها که متهم به همکاری با داعش هستند به لحاظ مالی هم‌چنان به هسته های داعش وابسته‌اند و خرجی خود را از آنها دریافت می‌کنند. لذا گویا داعش از میان نرفته و نفرات «از دیاله در غرب ایران تا حسکه و درعا و تنف پراکنده‌اند. با این وصف افراد گروه مزبور هر جایی نمی‌توانند عرض اندام کنند برای این‌که آنان هم رهنامه‌ای شرعی در اختیار دارند (مانند کتاب ادارت التوحش نوشته ابوبکر ناجی) که مکان استقرار و شروع جهاد را تشریح نموده است و علاوه بر آن میزان موفقیت هم اهمیت دارند یعنی اعضای داعش علاقمند و در واقع مجبورند در جایی مستقر شوند که بلافاصله اسیر و کشته نشوند. لذا، به نظر می‌آید مسأله مقاله روشن شده باشد: در شرایطی که داعش تضعیف شده و برای رهایی از

نابودی در پی مکانی برای بقاء است و از سوی دیگر معارضین آنها به حدی از پیروزی رسیده‌اند، لذا منطقه بعدی و مساعد برای استقرار و میزبانی داعش کجاست و مهم‌تر از آن این مناطق چه خصیصه‌هایی دارند؟

۲. گمانه و روش تحقیق

در باب این که داعش در چه منطقه‌ای حاضر و ظاهر می‌شود پاسخ‌های گوناگونی داده شده است. اما روش تحلیل و تحقیق این نوشتار کاملاً متفاوت است. غالب محققان در باب گروه‌های جهادی و بنیادگرا، روی یک یا چند مؤلفه‌ی زیر برای توضیح مکان‌یابی داعش تأکید دارند:

گمانه یکم. دولت‌های درمانده (Failed State)

طبق این گمانه، داعش در مناطقی فعال می‌شود که دولت مرکزی نمی‌تواند چهار کارکرد دولت کارآمد یعنی:

- بسط امنیت از طریق پلیس منصف، ارتش مقتدر و نیروهای مطلع اطلاعاتی؛

- تدارک آموزش همگانی رایگان؛

- نظام بهداشت و بیمه درمانی رایگان و فراگیر؛

- حل و فصل نزاع از طریق دادگاه صالحه؛

را به انجام برساند. در چنین شرایطی، در غیاب نظام امنیت فراگیر و مطلق، مسلحین به پلیس بخش‌هایی از کشور بدل می‌شوند. در نبود نظام آموزشی مدرن و رایگان و نوین، علمای وهابی، مربی و واعظ حیات و ممات توده بی‌پناه می‌شوند (مورد پاکستان). در شرایطی که نظام درمان و بیمه کافی و بهنگام وجود ندارد، نیروهای وابسته به مجاهدین به توزیع دارو و تزریق واکسن می‌پردازند و بالاخره به خاطر فقدان نظام قضایی منصفانه و قاطع، شیوخ و علمای مذهبی محلی، شکایات حقوقی و اختلافات معمول مردم را حل و فصل می‌کنند که نمونه آن را می‌توان در حوالی قاهره [دوران انقلاب عربی در سال ۲۰۱۳ - ۲۰۱۱]، دمشق، صنعا و الأنبار عراق مشاهده کرد.

طبق این ایده، گمان می‌رود هر جایی که دولت کارآمد (تأمین کننده امنیت، آموزش، درمان و

دادگستر) وجود نداشته باشد یا ناکافی باشد گروه‌های مزبور، جانشین دولت شده، ایدئولوژی خود را مسلط می‌کنند یعنی در ازای ارائه خدمات حداقلی ولی رایگان، از مردم نیازمند بیعت گرفته، آنها را بدل به مجاهد می‌کنند.

گمانه دوم. لشکر مزدوران جهادی

بر اساس گمانه یا نگره دوم، بعد از اشغال افغانستان از سوی شوروی در دهه ۱۹۸۰ و عزم مجموعه‌ای از مخالفین شوروی برای عقب‌رانی کمونیست‌ها از افغانستان، هسته‌های اولیه مجاهدین عرب - افغان، شکل گرفت. این مجاهدین در نهایت موفق شدند روس‌ها را وادار به عقب‌نشینی کنند. اما بعد از آن پیروزی، همین این مجاهدین روحیه بیشتری به دست آورده و در مناطقی دیگری از مناطق مسلمان‌نشین مانند بوسنی، کشمیر، مصر، لبنان، عراق و سوریه وارد عمل شده و پروژه آزادسازی جهان اسلام از سلطه ابرقدرت‌های کافر و دست‌نشانده‌های آنها را ادامه دادند. بر حسب منطقه عملیات، برخی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از کارهای جهادی‌ها حمایت مالی، نظامی و رسانه‌ای می‌کردند. لذا حرکت‌هایی مانند داعش به خواست قدرت‌هایی نظیر عربستان سعودی، ایالات متحده، ترکیه، قطر و ... و صرفاً در قبال اخذ مبالغی پول و سلاح، ترتیبات امنیتی را دگرگون می‌کنند تا قدرت‌های ذی‌نفع به مقاصد خود برسند. بر این اساس، رژیم اسرائیل نیز مشتاق آن بود که دولت‌های نزدیک به ایران که محور مقاومت نامیده می‌شوند، به دست همین گروه‌های جهادی ضدشیعه، از بین بروند. یا حکام سعودی بر این نظر بوده‌اند که در ازای تحرکات نیروهای ایران در بحرین و یمن، یکی از متحدان نزدیک به ایران را دچار مشکلات شدید امنیتی کنند. لذا طبق گمانه دوم، داعش حرکتی اصیل نیست و به صورت موردی و طبق ملاحظات قدرت‌های بازی‌ساز، وارد نبرد شده است و راه خلاصی از شر آن هم مذاکره با قدرت‌های کارفرما است.

گمانه سوم. امتداد خلافت: احیای شریعت اسلامی در زمین با تأسیس یک دولت اسلامی نمونه طبق این گمانه، داعش و گروه‌های مشابه، انصار خود را بشارت می‌دهند که این گروه بر خلاف گروه‌های جهادی دیگر (مانند اخوان المسلمین، جهاد اسلامی، حزب‌الله، و ...) عمل می‌کنند. برای این که آن گروه‌ها در فرآیند سیاست‌ورزی رسمی کشورها ادغام شده و عملاً

جز کار نظری و وعده‌های غیرممکن، کاری از پیش نمی‌برند. این در حالی است که به‌زعم آنها، شریعت اسلامی بدیل ممکن و مؤثری هست که می‌تواند جایگزین سکولاریسم، سوسیالیسم، جمهوری، سلطنت پادشاه و نظایر آن شده، بلایایی چون اشغال، فقر، وابستگی و عدول از احکام شریعت را رفع نماید. طبق این برآورد، گروه‌های داعش و امثال آن در پی تحقق شریعت هستند و به واسطه‌ی کینه‌توزی، انتقام‌جویی و ارعاب رقبای، راه خشونت‌بار و اقدامات حیرت‌آور و بهت‌انگیز را انتخاب کرده‌اند.

۳. روش مختار این نوشتار

به خلاف سه گمانه فوق که در مرحله ریشه‌شناسی داعش فرومانده و از درک اکنون و مخصوصاً تخمین آینده عاجز هستند، متن حاضر با تمرکز بر حرکت‌های رادیکال سلفی (از جنس داعش)، به آینده نظر دارد. «هم نه از رهگذر آینده پژوهی متعارف و چینش سناریوهای پرشمار و غیرقابل استفاده در سیاست‌گذاری». در این پژوهش با تمرکز روی متن‌های اصلی و مخازن اصلی اندیشه داعشی به تبیین اکنون و تخمین سال‌های آتی می‌پردازیم. از بین متن‌های پرشمار و انبوهی که رهنمای داعشیان به شمار می‌آیند روی سه منبع اصلی زیر متمرکز و طبق مفاد آنها مناطق مساعد برای ظهور داعش‌های آینده را بازشناسی و برآورد کرده‌ایم:

یک. مسائل فی فقه الجهاد یا فقه الدماء یا همان فقه خون اثر ابو عبدالله المهاجر که در حدود ششصد صفحه و در ۱۹ فصل (فصولی مانند احکام مثله و مشروعیت بریدن سر محاربین، مشروعیت ربودن کفار حربی، مشروعیت تخریب اراضی، املاک و منازل دشمن و ...) نوشته شده است (انتشار در سال ۱۴۲۵ هجری برابر با سال ۱۳۸۳ شمسی و ۲۰۰۴ میلادی).

دو. المذکره الأستراتیجیه یا یادداشت‌های استراتژیک که در سال ۲۰۱۱ به قلم عبدالله بن محمد منتشر شده و شامل چهار توصیه راهبردی به مجاهدین در زمینه بقاء، تحرک و توسعه (تمکین و توسعه امکانات) است.

سه. اداره التوحش یا مدیریت توحش که در سال ۲۰۰۴ به قلم ابی‌بکر ناجی نوشته شده و رهنامه عملی داعش به شمار می‌رود. ابی‌بکر ناجی در این کتاب به تفصیل گفته است که

بهترین منطقه برای استقرار مجاهدین و شروع عملیات کجاست و سازوکار آن چگونه است. اهمیت و دلیل ترجیح این روش به روش‌های سه‌گانه پیش‌گفته در این است که متون رسمی ارجاع داده شده و عمل را تابع نظریه‌ای می‌شمارد که متأسفانه مورد توجه محققین این حوزه واقع نشده است. در سال ۲۰۱۱ که کلیپ‌هایی از اعضای داعش منتشر شد که به خودروهای در حال حرکت و اتوبان‌های حومه دمشق حمله می‌کردند و یا به راحتی جوانان را به گلوله می‌بستند یا به صلیب می‌کشیدند، بسیاری از ما ایرانیان و مخصوصاً محققان موضوع متعجب شدیم. این تعجب و حیرات ناشی از جهل به فقه داعش بود. یا نمی‌دانستیم که کتاب‌هایی در توجیه فقهی این اقدامات وجود داشته و از سال‌ها قبل منتشر شده‌اند. بنابراین، کوشیده‌ایم به متن‌های اصلی رجوع کنیم که مجدداً غافل‌گیر نشویم!

۴. مناطق مساعد برای تمرکز عملیاتی داعش و گروه‌های همسو

در مرداد ماه سال ۱۳۹۹ و درست ۲۴ ساعت قبل از عید قربان که بزرگ‌ترین عید دینی مسلمانان اهل تسنن به شمار می‌رود و در حالی که طالبان اعلام آتش‌بس کرده بود دو انفجار قوی در ولایت هرات و لوگر ده‌ها نفر را کشته و زخمی کرد. این انفجارها که در ادامه سلسله‌ای از حملات این چنینی رخ دادند موجب این سوال می‌شوند که اندیشه‌ای این حملات را موجه می‌کند کدام است و بر پایه کدام ادله و توجیه این چنین خشونت‌ورزی می‌کند. در نگاه معمولی، این قسم حملات کار گروهی ناراضی و مزدور و کین‌توز است که دولت مرکزی یا اتباع خارجی را هدف قرار داده است. اما از حیث فنی، ماجرا ریشه‌های عمیق‌تری دارد.

مثلاً می‌توان با رجوع به کتاب اداره التوحش (ابی‌بکر ناجی)، راز این کشتارهای متناوب و خسته‌کننده و رعب‌آور را کشف نمود. عنوان فرعی کتاب ابی‌بکر ناجی این است: «اداره التوحش: اخطر مرحله ستمر به الأمه» یا مدیریت توحش: خطرناک‌ترین مرحله‌ای که امت از آن عبور خواهد کرد.

ابی‌بکر ناجی همسو با دیگر نظریه‌پردازان گروه‌های سلفی-تکفیری معتقد است که بعد از انتخاب هدف (مثلاً افغانستان) باید سلسله عملیات‌های انتحاری را به مرحله اجرا گذاشت تا

حکومت مرکزی فرسوده و کلافه شود و مردم نیز به ناکارآمدی حکومت و تبهر داعش ایمان بیاورند(ابوبکر ناجی، همان). او از این مرحله تحت عنوان مرحله «النکایه» نام می‌برد. نکایه یا فرسوده‌سازی یا ضربه زدن و جرح و قتل بر دو نوع است:

یک. نکایه نفوس

مقصود از نکایه نفوس تصاحب، به بندگی گرفتن و در تملک درآوردن است. طبق این قاعده مردان و زنان که مشرک و کافر نامیده می‌شوند به اسارت در می‌آیند، از آنها جزیه و فدییه دریافت می‌شود و مردان بالغی که در جنگ علیه مجاهدین شرکت داشته‌اند کشته می‌شوند. این مرحله به واسطه عملیات‌های پی در پی و معمولی و یا از طریق عملیات‌های نسبتاً شدید(نه به شدت عملیات ۱۱ سپتامبر که مستلزم اخذ نظرات رهبران ارشد و هماهنگی‌های پیچیده است) انجام می‌پذیرد. به باور ابی‌بکر ناجی، کفار و مشرکان(از نگاه وی اکثر کسانی که مسلمان، مسیحی و یهودی و غیر اهل کتاب، مشرک و کافرند) نباید روز و شب آرامی داشته باشند و همواره باید در هراس و اضطراب زندگی کنند. تا زمانی که تسلیم شوند. برای رسیدن به این هدف، یک راه وجود دارد و آن این که مجاهدین از هر فرصتی برای ضربه زدن استفاده کنند و لو با کوبیدن عصای خود بر سر یک صلیبی. برای این که «تداوم» این حملات ظاهراً کوچک، در بلندمدت تأثیر بسیاری دارد. برای این که هزینه امنیتی دولت را افزایش و نیروهای آن را مستأصل می‌سازد. مستأصل‌سازی، اصلی‌ترین هدف النکایه است تا زمینه برای مرحله بعد که «مدیریت توحش»(یعنی جذب نیرو از بین آوارگان در ازای ارائه خدمات بهداشتی - امنیتی در ازای بیعت آوارگان با خلیفه مسلمین و پایبندی دقیق به احکام شریعت) نامیده می‌شود، آماده شود(Naji,2018:103-104).

دو. نکایه اموال

موضوع نکایه اموال، خانه و اموال و اشجار و باغات کفار است که مجاهدین مجازند آنها را تخریب و به تصرف(غنیمت) درآورند. ابومحمد مقدسی، صریحاً از «قتال نکایه» اسم می‌برد. از دید وی، هدف قتال نکایه این است که دشمنان به قدری آزار و اذیت داده شوند تا از آزار و اذیت مستضعفان دست بردارند. شیوه‌های آزار کفار در قتال نکایه اموال، متفاوت است و از

تصاحب خانه تا آتش زدن باغات و کشتن حیوانات را شامل می‌شود. هرچند بعضی فقهای سلفی تکفیری در این باب رأی ملایمی دارند و تخریب همه خانه‌ها (حتی کلیسا) را با اکراه می‌پذیرند. اما آنچه در حوالی دمشق، حلب و موصل اتفاق افتاد نشان از نکایه همه‌جانبه دارد. به طور کلی در نکایه اموال، وظیفه سازمان‌های سلفیه جهادی این است که خانه‌ها و درختان و اموال کفار در امان نیست و این فشار و هجوم باید مداوم و علنی باشد تا کفار و حکام کافران جهادها را به عنوان یک واقعیت بپذیرند.

اکنون سؤال این است که عملیات‌های نکایه یا فرسوده‌سازی دشمن از طریق حملات پی در پی به شهروندان و تأسیسات شهر از کجا باید آغاز شود؟ آیا در همه مناطق جهان می‌توان شروع به حمله انتحاری کرد یا ضوابطی برای این انتخاب وجود دارد؟

با رجوع به فصل دوم کتاب «اداره التوحش» ابی‌بکر ناجی و در ذیل «عوامل اصلی در انتخاب محل عملیات» می‌بینیم که وی شش ضابطه را برای انتخاب نقطه عزیمت حرکت جهادی تعیین کرده است. تحلیل این ضوابط کمک می‌کند تا مناطق مساعد برای عملیات‌های آتی داعش و گروه‌های مشابه را دریابیم (Naji, 2018: 103).

به گفته ابی‌بکر ناجی، شش ضابطه یا معیار اصلی در انتخاب محل عملیات سلفی‌های جهادی عبارتند از:

۱. موقعیت توپوگرافیک و وجود عمق استراتژیک همراه با پستی و بلندی که به جهادی‌ها اجازه استقرار، عملیات، اختفاء و پشتیبانی بدهد.

۲. ضعف نفوذ و سیطره حکومت مرکزی بر مناطق مرزی و حتی شهرهای اصلی و پرجمعیت، به گونه‌ای که مجاهدین بتوانند ضمن تجدید قوا، از تعقیب و دستگیری توسط نیروهای هوایی (پهپاد) و زمینی در امان باشند. مناطق داخلی از حیث جمع‌آوری اطلاعات و مناطق مرزی از لحاظ تجدید قوا و جذب نیروی جدید اهمیت دارند.

۳. سرزنده بودن تفکر جهادی بنا به دلایل تاریخی، سیاسی و فرهنگی. به عنوان مثال، مناطقی مانند تکریت (زادگاه صدام و منطقه سنتی تکریتی‌ها)، الرمادی (به دلیل خشونت پی در پی آمریکایی‌ها علیه عراقی‌های سنی)، حومه دمشق (به دلیل تراکم انبوه مهاجرین فقیر)، قندهار (به

دلیل همسایگی با پاکستان و سهولت رفت‌وآمد و مراوده با ارتش پاکستان) مناطقی مساعد برای حیات و فعالیت این گروه هستند.

۴. فضائل خدادادی به مردم مناطق خاص. به باور ابی‌بکر ناجی، این عنایت خداوند است که مردم منطقه‌ای را برگزیده و به آنان عنایتی ویژه داشته است. وی مردم یمن را از این حیث ممتاز می‌داند و آنان را در منطقه‌ای استراتژیک و مصون از دسترسی دشمنان استقرار بخشیده است.

۵. دسترسی آسان و بی‌دردسر مردم به سلاح نظامی. اهمیت سلاح و در اختیار بودن آن بدین خاطر است که نیروهای دشمن را می‌ترساند و آنها را در ورود به مناطق جهادی‌نشین تردید و احتیاط می‌کنند.

ابی‌بکر ناجی در ادامه متذکر می‌شود که با تداوم عملیات‌های فرسوده‌سازی و قتل و ترور در مناطق اصلی (مراکز شهری مانند کابل)، عده زیادی آواره می‌شوند برای اینکه منطقه‌ی هدف از سکنه خالی شود و افق‌های امید مردم کور می‌شوند. این در حالی است که مناطق تحت سیطره جهادی‌ها، امنیت و عدالت را تجربه می‌کنند. به باور وی، این دو در نهایت به هم خواهند رسید یعنی با خروج مردم از شهرها و تقویت جهادی‌ها در مناطق منتخب، مرحله نكایه به مرحله توحش ارتقاء خواهد یافت و مجاهدین در ازای تدارک امنیت و رفاه، مردم را ملزم به جهاد در خط مقدم و التزام به شریعت در منطقه برگزیده خواهند ساخت.

۵. مناطق اصلی و مناطق فرعی

در رهنامه ابی‌بکر ناجی، جهان به دو دسته دار الحرب و دارالاسلام تقسیم می‌شود. البته در بعضی تفاسیر، دارالحرب (بلاد کفر یا ائتلاف دشمنان) و دارالاسلام خود شعبات گوناگونی دارند؛

یک. دارالاسلام شامل پنج دسته زیر هستند:

- مسلمانان یعنی کسانی که ایمان آورده‌اند و وظیفه‌ی دولت اسلامی دفاع از مال، خون و آبروی آنان است. مسلمانان هم موظف به قبول حدود الهی هستند که از سوی دولت اسلامی اجرا می‌شوند.

-بغات یا شورشیان، یعنی کسانی که ظلم و فساد می‌کنند و ضمن استنکاف از قبول حق، به سیاقی مسلحانه از باطل دفاع می‌کنند که مجازات آنها سکوت با شمشیر است.

-اهل ذمه یا پیروان دین یهود، مسیح و نیز زرتشت که در ازای پرداخت جزیه در امنیت و امان به سر می‌برند.

-مرتدین یا کسانی که در حین عاقلی، بلوغ و هوشیاری از دین بر می‌گردند و در عمل و زبان خلاف دین را پیروی می‌کنند.

-مستامون یا کسانی از دارالحرب یا دارالصلح که طبق امان‌نامه‌ای در دارالاسلام حضور دارند و از حمایت دولت اسلامی برخوردارند مانند سفرا، تجار، گردشگران.

دو. دارالحرب هم شامل مناطق و ساکنان آنها می‌باشد:

-دارالصلح یا کشورها و مناطقی که مسلمان نیستند اما با دولت اسلامی عهدنامه صلح دارند. دارالصلح شامل دارالذمه، دارالعهد، دارالامان، دارالموادعه و دارالهدنه است.

-دارالهجره به سرزمینی از دارالحرب اطلاق می‌شود که مسلمانان بنا به دلایلی ناخواسته (مانند مهاجرت فلسطینی‌ها به لبنان و سوریه) به آنجا هجرت کرده‌اند.

-دارالاستضعاف یا سرزمینی که مسلمانان در آنجا سکونت دارند اما به دلایل مختلفی شرایط بسیار دشواری دارند و باید به دارالاسلام هجرت کنند.

-دارالحیاد یا دولت بی‌طرف که در منازعه بین دارالاسلام، دارالحرب، کاملاً بی‌طرف هستند.

ابی‌بکر ناجی در اداره التوحش تصریح می‌کند که وجود زمینه مساعد یا جهادپذیری مردم منطقه میزبان اهمیت زیادی دارد. به محض یافتن یک منطقه مساعد اصلی، مجاهدین جهان توجه خاصی به آنجا نشان داده و به آن منطقه مهاجرت می‌کنند. هدف این است که هم‌افزایی شود یعنی مجاهدین به جای پراکندگی در جهان، متمرکز شده و با هم عمل کنند. البته این به معنای آن نیست که همه مجاهدین روانه منطقه منتخب شوند. القاعده در ۱۰۰ کشور جهان حدود ۱۸۰۰۰ پیرو دارد که ۵۰۰۰ نفر آنها فقط در آمریکا هستند (Ibrahim,2016:46-47) که

تجمع آن در یک کشور خاص (مثلاً افغانستان) نه میسر است و نه ثمربخش. از این رو ابی‌بکر ناجی پیشنهاد می‌کند که کشورهای زیر به عنوان مناطق اصلی لحاظ شوند: اردن، پاکستان، مغرب، بلاد حرمین (عربستان سعودی)، نیجریه، یمن.

ابی‌بکر ناجی از کشورهای فوق به عنوان «منطقه» یاد می‌کند. مثلاً مقصود او از منطقه یمن، شامل عمان هم می‌شود و مقصود از بلاد حرمین، سرزمین گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. هدف او این است که مرزهای حقوقی که ذیل عهدنامه‌هایی چون سایکس-پیکو ترسیم شده، مشروعیت ندارند و مقصود از دارالاسلام، همه بلاد است که مسلمان‌نشین هستند و تشکیل امت اسلامی داده‌اند.

شاید سؤال شود که چرا مناطقی مانند مصر، لیبی و افغانستان در عداد مناطق اصلی نیستند. پاسخ این است که در کتاب ابی‌بکر ناجی در سال ۲۰۰۴ نگاشته شده و طی آن سال‌ها افغانستان در اشغال آمریکا بود، مصر دولت مقتدری داشت و لیبی هم غیرقابل نفوذ می‌نمود. نویسنده کتاب اداره التوحش تأکید می‌کند که مناطق اصلی و فرعی بنا به ملاحظات سیاسی و تحولات و بحران‌ها تغییر می‌کنند یعنی ممکن است ضوابط اخیرالذکر، منطقه جدیدی را به عنوان منطقه استقرار تعیین کنند.

گفتنی است مناطق فرعی هم مناطقی هستند که اهمیت دارند ولی مساعد برای حضور و شروع عملیات نیستند. ساکنان مناطق فرعی، منتظر و مترصد می‌مانند که یا در محل سکونت خود عملیات کنند و یا به منطقه اصلی فراخوانده شوند. اتفاقی که در سوریه رخ داد از این دست بود یعنی شورشیان القاعده ابتدا در حومه دمشق سکونت یافتند و با مطرح شدن انقلاب‌های عربی، سلاح به دست گرفته، بخش مهمی از سوریه را اشغال و سپس وارد عراق شدند. برآوردهای سال ۲۰۱۲ نشان می‌داد که هم سوریه و هم عراق با توجه به شاخص‌های پیش‌گفته در شرایط مساعدی به سر می‌برند.

۶. چهار هدف اصلی در جهاد نکایه

همان گونه که آوردیم نکایه یا فرسوده‌سازی، مرحله اول پروژه تأسیس خلافت است. بر این اساس لازم است به محض تداوم انفجارها در منطقه‌ای خاص، حساسیت پیشه کرد. تکرار

انفجار، نشانه آن است که آن نقطه به عنوان منطقه خاص انتخاب گشته و حالا حالاها روی آرامش نخواهد دید. درست مانند وضعیتی که کابل در آن قرار دارد. با فروکش کردن آتش داعش در عراق و سوریه، افغانستان به عنوان منطقه‌ای خاص انتخاب شد و هرگز بعید نیست مناطق دیگری هم به این فهرست اضافه شوند. به هر ترتیب مقصود نظریه‌پردازان داعش (در اینجا: ابی‌بکر ناجی) این است که تمام انتخاب‌ها و اقدامات، مطابق با اندیشه دینی و بر اساس تشخیص عقلانی صورت می‌گیرد تا نظام خلافت مجدداً احیا شود. همه این تحرکات، در پی تحقق چهار هدف زیر است:

هدف اول: مشغول‌سازی نیروهای دشمن و سلب ابتکار عمل از ارتش و نیروهای امنیتی کشور هدف.

طبق محاسبه نویسنده اداره التوحش، باید حکومت مرکزی را مشغول کرد تا نیروهایش را برای حفاظت از تأسیسات حیاتی، سفارت‌خانه‌ها، شخصیت‌ها، مدارس، شهرک‌های فرماندهان ارشد، اماکن توریستی، موزه‌ها و کاخ‌های قدیمی، بانک، پمپ بنزین‌ها، خطوط مرزی و ترابری نظامیان پخش و پراکنده کند. با کشیدگی توان حراستی و انتظامی نیروهای حکومت برای مدت طولانی از یک سو و اداره عملیات‌های نکایه از سوی دیگر، رفته رفته دولت مرکزی درمانده می‌شود و با رشد درماندگی حکومت مرکزی، اقبال مردم به مجاهدین افزایش می‌یابد. به گفته ابی‌بکر ناجی:

«اگر مجتمع گردشگری در اندونزی (منطقه بالی) که صلیبی‌ها به آن رفت و آمد دارند، حمله شود، (بعد از آن) امنیت تمام مجتمع‌های گردشگری در تمام کشورهای جهان در خطر خواهد افتاد، این به معنای به کارگیری نیروهای اضافی و چند برابر وضعیت عادی است که در نتیجه موجب افزایش هزینه‌ها می‌شود. اگر به بانکی در ترکیه که بر اساس ربا کار می‌کند و از آن صلیبی‌هاست حمله شود، امنیت تمام بانک‌های صلیبی در تمام کشورها مورد توجه خواهند شد و بدین ترتیب هزینه‌ها افزایش خواهد یافت.... اگر دو نویسنده مرتد در عملیاتی همزمان در دو کشور مختلف ترور شوند، حفظ امنیت هزاران نویسنده در کشورهای جهان ضروری خواهد شد. بدین ترتیب، دایره هدف‌ها و ضربات در مرحله نکایه، که گروه‌های کوچک و

منفرد انجام می‌دهند، تنوع و وسعت می‌یابد» (Naji, 2018:49).

هدف دوم: جذب جوانان جهادی مستعد برای انجام عملیات‌های متوسط و کوچک

ابی‌بکر ناجی در مبحث «اهداف نکایه» عملیات‌های جهادیون را به سه دسته کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم می‌کند. از این میان، فقط عملیات‌های بزرگ مانند ۱۱ سپتامبر است که نیاز به بررسی دقیق و جواز رهبران ارشد دارد. عملیات‌های کوچک مانند قتل یک نویسنده یا حمله به ایستگاه پلیس را گرگ‌های تنها یا اعضای عادی داعش هم می‌توانند انجام دهند. گرگ‌های تنها یا تک‌عضوهای داعش در اقصی نقاط جهان، می‌توانند عملیات‌های انتحاری یا انفجاری را انجام داده و در قالب یک سی دی پرشده و نیز پیام توئیتری به خلیفه تقدیم کنند و خود را مجاهد دولت اسلامی بنامند. در بین عملیات‌های کوچک و بزرگ، عملیات‌های متوسط هم هستند مانند حمله به منطقه توریستی بالی در اندونزی یا عملیات محیا در ریاض که نه مانند عملیات‌های کوچک کم اثرند و نه مانند عملیات‌های بزرگ پرمخاطره‌اند. ترجیح اصلی ابی‌بکر ناجی افزایش عملیات‌های متوسط است. چون عملیات‌های کوچک را افراد تازه جهادی شده انجام می‌دهند و به دلیل عدم آشنایی با تکنیک‌های فرار و انفجار به دام می‌افتند و در نتیجه اعضای دیگر داعش را لو می‌دهند. عیب عملیات‌های عظیم هم این است که خیلی کم تعداد است و تدارکات و لجستیک بسیار زیادی لازم دارد.

آرزوی ابی‌بکر ناجی این است که تعداد عملیات‌های متوسط به تعداد عملیات‌های کوچک برسد و جوانان جدیدی جذب شده و آموزش ببینند و در اقصی نقاط جهان اعلام حضور کنند. هر چه تعداد عملیات‌های موفق بیشتر باشد جوانان بیشتری جذب می‌شوند و مردم بیشتری از دولت مرکزی می‌برند.

هدف سوم: خارج کردن منطقه منتخب از زیر حاکمیت حکومت مرکزی و متمرکز شدن

نیروهای جهادی به تأسیس منطقه‌ای امن و اسلامی در منطقه تازه تصاحب شده (آزاد).

به محض آزادسازی یک منطقه از سلطه حاکمیت مرکز، مدیریت نکایه در آن منطقه خاتمه می‌یابد و مدیریت توحش آغاز می‌شود از آنجا که این منطقه نمونه‌ای از دولت و حکمرانی اسلامی است باید در اوج عدالت، امنیت و عمل به احکام شریعت باشد. مطابق موازین

توحش، مردمی که تمام امید خود به امنیت، بهداشت، آموزش و .. را از دست داده‌اند اسکان داده می‌شوند و با آنها اتمام حجت می‌شود که بین توحش و زیستن در پناه دولت اسلامی یکی را انتخاب کنند. بدین ترتیب آوارگان مسلمان، حکومت اسلامی را می‌پذیرند.

هدف چهارم: تحکیم مواضع گروه‌های نکایه و ارتقای آنها به مدیریت توحش ماهیت مرحله نکایه این بود که گروه‌ها و افراد جهادی، صرفاً حمله به مواضع دشمن می‌کردند تا آنها را از پای درآورند و در دل شهروندان رعب و هراس ایجاد کنند. اما این گروه‌های ضربت، نمی‌توانند امور رفاهی، آموزشی، بهداشتی و قضایی آوارگان را رتق و فتق نمایند. برای این منظور، نیروهای ضربتی باید آموزش ببینند تا بتوانند در مرحله توحش، مدیریت مسلمانان را عهده‌دار شوند. چنین عملی، علاوه بر تمهید امنیت برای آوارگان، موجب افزایش امید و غرور جهادی‌ها هم می‌شود.

۷. رانه‌های عینی گروه‌های سلفی تکفیری و عناصر پشتیبان

گروه‌های سلفی با رویه و منطقی که در صفحات اخیر تشریح گردید مترصد فرصت مناسب هستند تا افکار آماده خود را محقق سازند. نکته‌ای که خطر این گروه‌ها را مضاعف می‌کند این است که اولاً مشکل تشکیلات و تجربه ندارند و خود را مقید به مجموعه‌ای از احکام مقدس، صائب، آماده و کاربردی می‌دانند و این امر آنها را از گروه‌های مشابه متمایز می‌سازد. به سخن روشن، اگر گروه‌های سکولاری مانند بعضی‌ها قصد اقدام عملیاتی داشته باشند ممکن است در باب آینده و شیوه حرکت، تأسیس حکومت و امثال آن مناقشاتی داشته باشند اما گروه‌های سلفی از این عارضه مبرا هستند. به تعبیر آن لمپتون، پرسش این قبیل حرکت‌ها این نیست که چگونه باید حکومت کرد! مسأله آنها فقط این نکته جزئی است که چه کسی باید انتخاب شود و احکام موجود الهی را به اجرا گذارد و نگهبان دین خدا و شریعت محمد(ص) باشد. ثانیاً گروه‌های مزبور بواسطه حیات مقتصدانه در زمینه رفاه و نیز سلاح مورد استفاده دارند. یعنی یک مجاهد سلفی قادر است با اندک تدارکاتی عملیات را به انجام رساند. او مأموریت خود را الهی می‌داند و در این راه حاضر است با حداقل امکانات بیشترین نتیجه را حاصل کند. پراکندگی گسترده در اقصی نقاط عالم و داشتن اطلاعات استراتژیک از منطقه

هدف سومین ویژگی مجاهدین است که ارزیابی روندهای آتی این حرکت‌ها را ضروری و فوری می‌سازد. بر این اساس، و با عنایت به رهنامه‌هایی که رهبران این گروه‌ها تنظیم کرده‌اند می‌توان میدان‌های ظهور و عملیات این گروه‌ها در مدار و محیط امنیتی ایران را به قرار زیر برشمرد:

یک. مناطق عاری از هژمونی دولت

برای فهم این موضوع کفایت وضعیت دره سوات در ایالت خیبر پختونخواه پاکستان را مرور کنیم: ایالتی زیبا در شمال غربی پاکستان، واقع در ۱۶۰ کیلومتری اسلام آباد، در میان کوه‌های بلند و رودخانه‌های زیبای منطقه کوهستانی هندوکش که به سویس منطقه معروف است. این منطقه ۵۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و سال‌هاست تحت سیطره گروه تحریک انفاذ شریعت محمدی (یکی از شاخه‌های طالبان پیشاور) است. قانون حاکم در این منطقه، شریعت است و طبق تفسیر طالبان از شریعت، دختران حق تحصیل ندارند و حدود الهی باید در ملأعام به اجرا درآید. طالبان برای عمل به وعده‌های خود بیش از ۱۷۰ مدرسه و سازمان دولتی را به آتش کشیده است. دلیل اصلی جولان طالبان در این منطقه، ضعف هژمونی دولت در این منطقه است. در ایالت بلوچستان پاکستان نیز وضع به همین منوال است. از این رو، نخستین نکته در باب روندهای آتی این است که داعش و گروه‌های هم‌سنخ آن در مناطقی که دولت غالب نیست و هژمونی ندارد ظاهر و فعال خواهد شد. طبق این نکته مناطق خالی از سکنه استان کرمان، بخصوص صفحات جنوبی کرمان، می‌تواند منطقه‌ای مساعد برای میزبانی داعش باشد. تا چند سال قبل چنین وضعی در نواحی جنوبی استان هرمزگان هم بود که بنظر می‌رسد با فعال شدن پروژه عظیم مکران، از مخاطرات ناشی از این منطقه کاسته شود. در یک کلام می‌توان گفت که منطقه عاری از نفوذ و حضور و هژمونی دولت، بخصوص حضور نظامی، قضایی و رفاهی دولت، زمینه‌ای مساعد برای رشد جریان‌های سلفی برانداز و ضد نظم می‌باشد.

دو. مناطق تاریخی و دارای موارث هویتی

یکی از قرینه‌هایی که ابوبکر ناجی بعنوان منطقه‌ای مساعد برای شروع جهاد و جذب مجاهد

ذکر می‌کند مناطق به اصطلاح، نظرکرده، تاریخی و وارث مأموریت است که در سنت و شریعت از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. به عنوان نمونه منطقه‌ای مانند دابق در سوریه چنین وضعیتی دارد. این منطقه در نزدیکی حلب محلی برای آغاز فتوحات عثمانی‌ها بود و از آنجا بود که سلطان سلیم اول، امپراتور روم را شکست داد و حسب برخی روایات، نبرد آخرالزمان از این محل آغاز خواهد شد و سپاه اسلام رومیان را شکست خواهد داد. شهر موصل یا به تعبیر رشید رضا، محل اتصال قوم‌های عرب و کرد و ترک، نیز چنین خصلتی را دارد. هم‌چنین شهرهایی مانند مکه و مدینه و نیز سرزمین اندلس که یادآور دورانی از شکوه و ظفر در تاریخ امپراتوری اسلامی بوده‌اند. شهرهای استانبول، تکریت (محل تولد صدام و مأمّن قبیله‌های هوادار صدام حسین که او را سیدالشهدا خطاب می‌کنند) هم، در زمره امکانه مقدس و شورانگیز قرار دارند.

سه. زیستگاه مغضوبین و مطرودین مصمم به براندازی

سومین قرینه‌ای که نماگر روند حرکت‌های تروریستی و پرورش فکری سلفی‌های رادیکال است مناطقی هستند که خوشه‌ای چشمگیر از افراد و گروه‌های مغضوب را در خود جای داده‌اند: افرادی که هیچ آینده‌ای را برای خود متصور نیستند و در معرض فشار روانی برخوردارند و احساس تحقیر می‌کنند در این دسته جای می‌گیرند. سه استان غربی عراق (الانبار، صلاح الدین و نینوا) که محل تراکم عرب‌های سنی و قبایل متمایل به بعثی‌ها هستند در این خصوص قابل مطالعه‌اند. بعد از سقوط صدام و اخراج ده‌ها هزار افسر بعثی که مجهز به دانش نظامی و جنگ‌های شهری و صحرائی بودند بسیاری از مناطق عراق به محلی برای نبردهای نظامی و تروریستی تبدیل شدند. اقلیت سنی عرب عراق که ده‌ها سال بر اریکه قدرت تکیه زده بودند با مشاهده وضعیت کردهای عراق و نیز نشاط شیعیان در عراق جدید، عملاً به کانون نارضایتی بدل شده و از ایدئولوژی داعشی استقبال کردند. اگر قرار باشد گذشته چراغی برای آینده باشد می‌توان روی این قبیل مناطق بیشتر حساسیت داشت. به نظر می‌رسد از این پس چنین رقابتی بین علوی‌ها و سنی‌ها و کردهای سوریه هم جریان خواهد یافت. محاصره محله‌های سنی‌نشین و یا علوی‌نشین در مناطقی مانند نبل الزهراء، فوعه و کفریا نشانه‌ای از این

قبیل انتقام‌جویی‌ها می‌باشد که در آینده نیز تکرار خواهد شد.

در محدوده و قلمرو ایران هم، مناطقی مانند اورامانات، جوانرود، میوان و شهرهای مشابهی در استان سیستان و بلوچستان چنین وضعیتی دارند. خاندان‌ها و قبایلی که در این مناطق سکونت دارند اگر در سال‌های گذشته آسیبی از جانب حکومت دیده باشند و یا به خاطر سوابق امنیتی و سیاسی، امیدی به آینده نداشته باشند علی‌الاصول در عداد مبارزین و همراهان گروه‌های نوپدید هستند که وعده وضع نوین و توزیع مجدد منابع را می‌دهند.

چهار. کمپ‌های آوارگان و حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ

مردم مناطق اشغالی که بصورت آواره در اردوگاه‌های اجباری زندگی کرده و انواع مرارت‌های روانی، عاطفی، اقتصادی و حقوقی را تحمل می‌کنند معمولاً از تغییر وضع موجود و برقراری وضعی دیگرگون استقبال می‌کنند. بیهوده نیست که مصمم‌ترین علما و مجاهدین انتحاری از بین فلسطینی‌ها و عراقی‌ها بر می‌خیزند. ابوقتاده بعنوان ثنوریسین اقدامات خشونت‌بار انتحاری، یک عالم و فقیه فلسطینی است. ابو محمد المقدسی که سال‌ها در زندان‌های اردن بسر برده، یک فلسطینی است. به گفته سفیر اردن در تهران، اردوگاه‌های آواره‌نشین بهترین منطقه برای جذب مجاهد مصمم است. این آوارگان، مرگ و انتقام را بر زندگی ترجیح می‌دهند. یک یا تنی چند از خانواده‌های این آوارگان بدست سربازان اسرائیلی یا آمریکایی و یا از طریق پهنادهای ائتلاف کشته شده و یا مزرعه و مسکن‌شان از بین رفته است. این آوارگان شخصیت‌های دگرگون‌خواه و ایدئولوژیک مانند جمال عبدالناصر، صدام حسین، اسامه بن لادن و ابوبکر بغدادی را بسیار دوست دارند و از حکام محافظه‌کار و سکولار بیزارند. طرح‌های بزرگی که از سوی این رهبران ایدئولوژیک ارائه می‌شود بخش مهمی از جوانان آواره را بسیج می‌کند.

مناطق حاشیه شهرهای بزرگ که بخاطر هزینه بالای زندگی در شهرهای بزرگی چون دمشق و حلب، اجباراً مقیم حواشی شهرهای بزرگ هستند میزبان خوبی برای تبلیغات سلفی هستند. اصولاً بین فقر و رادیکالیسم، همبستگی مثبتی وجود دارد یعنی افراد فقیر زودتر از بقیه افراد نسبت به وعده‌های وسوسه انگیز علمای اسلام‌گرای رادیکال علاقمند می‌شوند. خانم ثناء امام،

نویسنده سوری، در توضیح دلیل گرایش عراقی‌ها به رادیکالیسم داعشی، روی دو مفهوم تدین و تسلیح تاکید می‌کند. به باور وی، در سال‌های بعد از اشغال کویت از سوی نیروهای بعثی عراق که این کشور در معرض تحریم‌های شدید قرار گرفت علایق و گرایش‌های دینی به طرز عجیبی در عراق فزونی گرفت به گونه‌ای که بسیاری از مشروب‌فروشی‌ها و کاباره‌ها و قمارخانه‌ها در خود بغداد تعطیل شدند، مساجد بسیاری ساخته شدند و تعداد جمعیت نمازگزار به طور چشمگیری افزایش یافت! صدام حسین هم علایق دینی پیدا کرده بود. او شعار الله اکبر را روی پرچم عراق حک کرد، با قیافه‌ای دینی (با محاسن مرتب) در بین مردم ظاهر می‌شد و در اظهاراتش از کلمات و عبارات مذهبی استفاده می‌کرد و با صدام دو هفته قبل کاملاً متفاوت شده بود. این در حالی بود که وی گمان می‌کرد اسرائیلی‌ها عراق را اشغال خواهند کرد و برای مقابله با هرگونه هجوم خارجی، سلاح زیادی را بین مردم توزیع کرده بود. همین دو مقوله یعنی تدین و تسلیح در عراق سال ۲۰۰۳ در اوج بود که صدام بدست آمریکا سرنگون و داعش عراق (در قالب جماعت توحید و الجهاد) فعال شد. در حالی که هسته‌های متدین و مسلح سراسر عراق را در اختیار داشتند حکومت آمریکایی عراق عملاً مستاصل ماند. به فاصله فقط یک سال، دیگر اعضای القاعده از اقصی نقاط جهان خود را به عراق رسانده، بعد از ده سال با عقب راندن نیروهای آمریکایی استان‌های سنی‌نشین غرب عراق را در اختیار گرفتند (Ibrahim, 2016: 11).

در همه این فرآیندهای خوفناک، خوشه آوارگان، مایوسان و انتقام‌جویان بودند که ستون فقرات ارتش خلافت را تشکیل می‌دادند. زمینه ذهنی روانی به اضافه ایدئولوژی جهادی، رانه‌ی تاسیس داعشی شد که به مدت پنج سال توجه جهانیان، بخصوص ملل منطقه را معطوف به خود ساخت.

پنج. خشک‌بومی و خشونت‌های رادیکال در خاورمیانه‌ی فردا

مهاجرت ساکنان روستاها به شهرهای بزرگ و سکونت فقیرانه در حواشی شهرهای بزرگ از جمله دلایلی است که بنظر می‌رسد در تبیین پیدایش و گسترش خشونت قابل اتکا و توضیح

دهنده است. برخی پژوهشگران مانند کایتلین ورل و فرانچسکو فیما (از مدیران مرکز فوریت‌های اقلیمی و امنیتی واشنگتن)، نقش تغییرات اقلیمی را در پدیداری خشونت برجسته دیده‌اند. اما گروهی دیگر از محققان براین باورند که خشکسالی تنها یکی از عوامل پنج‌گانه ایجاد و گسترش خشونت است. این دلایل پنج‌گانه عبارتند از: دولت‌های دیکتاتور، دستگاه مذهبی بنیادگرا، کم سواد و بی‌سامانی مردم، بحران زیست‌بومی و عملکرد کینه برانگیز قدرت‌های بزرگ. در دانشگاه برکلی و پرینستون آمریکا پژوهشی در مورد پیوند بین خشونت و گرما در سال ۲۰۱۳ انجام شده که گزارش آن را مجله ساینس منتشر کرده است. این تحقیق مناطقی در استرالیا، هند، افزایش جنایت در مناطقی از آمریکا و تانزانیا و گروه‌های قوم‌گرا در اروپا و جنوب آسیا، برزیل و هلند را در بر می‌گیرد. گزارش که یورونیوز در ۱۵/۱۰/۲۰۱۵ منتشر کرده نشان می‌دهد که هر دو درجه افزایش دمای کره زمین میزان خشونت را به میزان ۵۰ درصد افزایش می‌دهد.

با عنایت به این قبیل پژوهش‌ها، آنچه در محدوده این گزارش اهمیت دارد این است که خشونت رادیکال علاوه بر محرکه‌ها و رانه‌های اعتقادی، زمینه‌های مادی و عینی هم دارد و اصلی‌ترین آن فقریست که خود معلول حکمرانی بد و قهر طبیعت (مثلاً در قالب خشکسالی و نابودی زراعت و اختلال در آمایش سرزمینی) است. بر این اساس، با گرم شدن زمین و تداوم حکمرانی ناکارآمد در زمینه توزیع و مصرف آب و سبک زندگی حاکم در غرب آسیا، ضریب خشونت‌خواهی بیشتر خواهد شد و فقر و نارضایتی حاصل از این امر، دستاویز مناسبی است برای بهره‌برداری اسلام‌گرایان رادیکال. چرخه‌ی خشک‌بومی، فقر، خشونت و ناامنی و نهایتاً فقر بیشتر در حال حاضر بسیاری از مناطق ایران را مستقیماً تهدید می‌کند. آمارهای رسمی و متقنی در باب میزان و آهنگ مهاجرت از استان‌های جنوب‌غرب، جنوب و جنوب‌شرقی به مرکز و شمال ایران منتشر نشده است اما چنین روندی کاملاً محسوس و مشهود است. روند صدور پروانه ساخت و معامله زمین در شهرهای شمالی و نسبتاً آبخیز ایران رشدی صعودی و نگران‌کننده‌ای دارد. سازمان ملل گزارشی منتشر کرده که وضعیت سی سال آتی ایران را با

تانزانیا مشابه دیده و رییس سازمان محیط‌زیست (عیسی کلانتری) در تاریخ تصریح کرد که با ادامه بحران فعلی آب، ۵۰ میلیون ایرانی تا ۲۵ سال آینده ایران را ترک کنند و این یعنی نابودی تمدن ایرانی به دلیل مسایل اقلیمی.

بر پایه چنین روندی علاوه بر مهاجرت در داخل کشور به مناطق ترسال مهاجرت دایمی و خانوادگی به خارج از کشور و انتقال سرمایه بخاطر فرار از شرایط نابسامان و بحران خشکسالی، کاملاً مشهود است. روزنامه شرق در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۹۷ خبری منتشر کرد که حکایت از افزایش مهاجرت اقلیمی ایرانیان به خارج از کشور داشت. به گفته رئیس اتاق بازرگانی ایران و ترکیه، آمارهای غیررسمی حکایت از این دارد که فقط در چهارماه اول سال ۱۳۹۷، ایرانیان هزار واحد ساختمانی، اعم از آپارتمان و ویلا که متوسط قیمت آنها ۱۶۰ هزار دلار بوده، در ترکیه خریداری کرده‌اند.

خالی از سکنه شدن مناطق ملتهب و قریب به کانون‌های تربیت سلفی‌های رادیکال، روند نگران کننده‌ایست که ریشه در خشک‌بومی دارد و طبق این روال نامیمون بنظر می‌رسد که متأسفانه حدود یازده استان کشور که اصطلاحاً منطقه زرد و مخاطره‌خیز به شمار می‌آیند به منطقه قرمز بدل خواهند شد و نفوذپذیری پرخطر روند افزایشی خواهد یافت. علاوه بر رخنه نیروهای خطرناک، اشاعه خشونت به مناطق نسبتاً امن نیز یک مسأله است. محاصره شهرهای بزرگ از سوی مهاجرین ناراضی و رهاسازی میلیون‌ها هکتار زمین لم‌بزرع در جنوب و شرق کشور، زمینه مساعدی است برای تحدید سرزمینی و تهدید امنیتی ایران.

۸. ظرفیت‌های سخت و نرم ایران برای تقلیل و دفع خطر رادیکالیسم ضد شیعی

تحلیل محتوای اظهارات، اسناد و نیز عملیات‌های داعش و گروه‌های مشابه آن نشان می‌دهد که این گروه یک نماگر مفهومی دارد و یک ابزار حیاتی برای خودابرازی و زنده ماندن. مفهوم نماگر این گروه عبارت است از دگرسازی و تعهد فعال برای حذف آن دیگری. اما ابزار حیاتی داعش برای زنده ماندن عبارتست از صنعت خشونت و نمایش گسترده آن با هدف تولید خوف در جبهه رقیب. دگرسازی فعال بدین معناست که داعش همواره مشتاق داشتن یک خصم بالفعل برای آغاز نبردی شورآفرین است و گرنه داعش همان القاعده می‌شود! دگرها یا

خصم‌های داعش (بخوانید جمیع گروه‌های تکفیری) این چهار دسته هستند :

-شیعیان (در همه شاخه‌های اثنی‌عشری، علوی، زیدی، اسماعیلی و حتی صوفی) که دشمن قریب به شمار می‌آیند. به زعم داعش، باید از طریق حذف شیعیان و تصاحب اموال و استحکامات آنها به جنگ دشمن بعید (غرب مسیحی) رفت.

-مسیحیان و یهودی‌ها (یا یهود و نصارا) که در نگاه داعش عامل اصلی استعمار و اشغال سرزمین مسلمین هستند.

-جمیع حکام و دولت‌مردان کشورهای اسلامی که در حکم هم‌دست صلیبی‌ها هستند و حکم ارتداد دارند.

-گروه‌های جهادی میانه‌رو نظیر شبکه اخوان‌المسلمین که در بازی‌ها و قواعدی که بیگانگان و دست‌نشانده‌های آنها طراحی کرده‌اند، بازی می‌کنند.

از بین همه دیگر گروه‌های تکفیری، تمرکز این پژوهش بر شیعیان اثنی‌عشری است که بنظر می‌رسد، هم هدف اصلی گروه‌های تکفیری است و هم انگیزه و امکانات بیشتری برای مقابله با داعش و امثالهم داراست. آنچه در پی می‌آید بسته‌ای از قابلیت‌های سخت و نرم اندیشه و جبهه شیعی برای مهار گروه‌های تکفیری در روزگار پیش‌رو است.

۹. الگوی سنجش قابلیت‌های پارادایم شیعه برای تحدید حملات ضدشیعی

الگوی علمی و قابل سنجشی که مولفه‌های آن در پی می‌آید الگویی قابل سنجش و عاری از ملاحظات غیرآکادمیک است. دو رویه غیرآکادمیک در سنجش وزن حرکت‌های دسته جمعی عبارتند از :

-امنیتی دیدن یا Securization/Intelligence : این قسم نگرش همه بازیگران عادی و حرکت‌های قهری را تهدید دیده و از ارزیابی فرصت‌ها عاجز است.

-سهل‌انگاری روشنفکرانه یا Intellectual Vision، این نوع تلقی هم نسبت به حجم و عمق تهدید کم توجه است و بیشتر بجای حرکت استراتژیک به ارزیابی حقوق اکتفا می‌کند.

در قبال این دو تلقی مخدوش، می‌توان و باید روی پارادایم و الگوی علمی قابل سنجش تمرکز داشت که بنظر می‌رسد بری از آفات امنیتی دیدن و نیز سهل‌انگاری خیرخواهانه است. در این الگو روی دو دسته از مؤلفه‌ها تمرکز می‌شود و وزن گروه مورد بررسی بر روی باسکول دقیق واقعیت و استدلال قرار می‌گیرد:

۹-۱. مؤلفه‌های دسته یک: شاخص‌ها و عناصر سخت‌افزاری

همان‌گونه که از عنوان این تیتر پیداست شاخص‌های سخت‌افزاری به موارد و موضوعات عینی، ملموس، قابل اندازه‌گیری و بالفعل اطلاق می‌شود و شاخص‌های اصلی آن عبارتند از:

۹-۱-۱. تعداد و تراکم جمعیت فعال و عضو پایه

جمعیت، شاخصی است که در هر سه عرصه‌ی نظامی (در قالب سرباز یا مجاهد)، سیاسی (در قالب شهروند رای دهنده) و اقتصادی (در قالب فعال اقتصادی)، نماینگر گروه مورد مطالعه است. از حیث جمعیت، ضریب جمعیت شیعه نسبت به جمعیت فعال گروه‌های تکفیری بسیار بالاست.

۹-۱-۲. برخورداری از منابع طبیعی حیاتی

منابع طبیعی حیاتی، بی‌شمار نیست و به مخازن و معادن چهار منبع ارزشمند در جهان معاصر یعنی نفت، گاز، آب و فلزات گرانبهایی مانند طلا و اورانیوم اطلاق می‌شود. در قالب این شاخص نیز، گروه‌های تکفیری بدلیل استقرار در مناطق محروم (طبق توضیحات مندرج در بند خشک‌بومی)، آسیب‌پذیری مهلکی دارند. این در شرایطی است که برخورداری مناطق شیعه‌نشین از منابع حیاتی در سه کشور ایران، عربستان (استان الشرقي بخصوص منطقه القوار) و عراق، مطلوب است.

۹-۱-۳. پیوند ارضی یا پیوند ارضی

پیوند ارضی بدلیل ایجاد عمق استراتژیک و منطقه فرار و نیز توسعه رفاه و جذب جمعیت اهمیت بسیاری دارد. در این شاخص، این گروه‌های تکفیری هستند که از نعمت پراکندگی برخوردارند و ارتباط خوشه‌های شیعی با همدیگر بسیار دشوار است و دلیل آن این است که شیعیان به استثنای سه کشور ایران، عراق و بحرین همه جا در اقلیت و زیر ذره‌بین نیروهای

امنیتی هستند.

۹-۱-۴. عمق استراتژیک و فاصله مناسب با مرکز

همان‌گونه که گفته شد بواسطه دسترسی به ابزارهای کنترلی پیشرفته نظیر پهپاد، موشک‌های هدایت شونده و انواع پرنده‌های جاسوسی، عمق استراتژیک یا داشتن منطقه‌ی توسعه‌پذیر و جذب سرمایه اهمیت حیاتی دارد. از این لحاظ عمق استراتژیک گروه‌های سلفی در مناطقی مانند سینا، بلوچستان پاکستان، استان‌های غربی عراق، نواحی مرکزی سوریه و اقصی نقاط افغانستان بسیار مطلوب است.

با ارزیابی و پایش وضعیت گروه‌های سلفی و بازیگر شیعه به راهبری ایران، می‌توان هر یک از آنها در یکی از سه خوشه ممتاز، موثر و خنثی رده‌بندی کرد. به عبارت دیگر، خوشه ممتاز می‌تواند بازی‌سازی کند و ایده خود را برای مدت پایداری محافظت نماید مانند حرکت ایران در باب حزب‌الله لبنان. خوشه موثر فقط می‌تواند ائتلاف موثری داشته باشد و بازی را پرهزینه نماید تا امتیاز بیشتری دریافت نماید. حرکت‌های مکمل کارکردی مکملی دارند مانند کردهای عراق. خوشه خنثی هم همان طور که از عنوانش پیداست به دلیل ناتوانی در راهبری، همواره منفعل و تماشاگر است مانند دروزهای سوریه یا کلیمی‌های ایران.

۹-۲. مولفه‌های دسته دو: شاخص‌ها و عناصر نرم‌افزاری

مؤلفه‌های سخت‌افزاری ماهیتی اقتناعی/فکری و ذهنی دارند. این مؤلفه‌ها را به راحتی نمی‌توان اندازه عینی گرفت اما می‌توان در مورد وجود و نسبت آنها استدلال کرد. اصلی‌ترین ارکان و شاخص‌های نرم‌افزاری در پارادایم پیشنهادی عبارتند از:

۹-۲-۱. رهبری خردمند(ترکیب مقاومت + انعطاف)

رهبری خردمندانه آمیزه‌ای از توانایی‌های شخصیتی و مهارت‌های نقشی است که با پیشبری سازش و ستیز همزمان، فرصت‌سازی و مشروعیت‌آفرینی می‌کند. رهبری خردمند در مقابل رهبری ایدئولوژیک و نیز رهبری سازش‌گر قرار دارد. از حیث این شاخص، جهان شیعی، به‌رغم همه مواضع ایدئولوژیک، میزبان رهبرانی مصلحت‌اندیش است که به تنگ‌نظری و لجبازی اشتهار ندارند. اما گروه‌های تکفیری از حیث قدرت جذب یا دربرگیری عمیقاً فقیرند.

برای این که همان گونه که در سطور اخیر گذشت مفهوم نمایی و کلیدی پارادایم داعش، بر طرد و دگرسازی استوار است.

۲-۲-۹. همسویی گفتمانی با وجدان جهانی

وجدان جهانی حامل روحی است که مطلوب جهانیان است. بعنوان نمونه هیچ وجدان بیداری از نژادپرستی، تحقیر دیگری، برده‌داری، اشغال و تبعیض سازمان یافته خرسند نمی‌شود. در عوض، رویه‌هایی مانند احترام به کرامت انسانی، برابری و انصاف، آزادی بیان و دادرسی منصفانه از مواردی هستند که مورد تأیید وجدان جهانیان است. طبق این شاخص، گروه‌های تکفیری بیشترین تعارض و تباین را با وجدان و گفتمان مسلط جهانی دارند و این رویه زمان پریش، اتفاقاً اصلی‌ترین پاشنه آشیل و مهم‌ترین نقطه قوت تشیع است.

۲-۳-۹. انتشار و تسهیم سنجیده قدرت

برای فهم وزن این مؤلفه، کفایت دو رویه فکری را با هم مقایسه کنید: دستگاه کلیسایی در قرون وسطی که کشیش را خدای زمین و نماینده آسمان می‌شمرد و دستگاه داعشی که قائل به آنارشیسم در اجتهاد است. یعنی هر عضو داعش در هر جایی که هست می‌تواند مبادرت به ترور کرده، حکم شریعت را اجرا نماید. در میانه این دو (کلیسا-تکفیریسلم)، دستگاه فقه اثناعشری، قدرت را بین مراجع تسهیم و تقسیم می‌کند. مرجعیت، ترمز استبداد است برای این که هر کسی می‌تواند بعد از طی مدارج علمی فقهی، مرجع بشود، مقلدان خودش را داشته باشد و رای و تشخیص خودش را در مسائل عامه بیان نماید. این دستگاه نه مانند داعش انتشار بی حد قدرت دین می‌کند و نه مانند کلیسا، قدرت را محصور در کشیش می‌نماید.

۲-۴-۹. پارادایم بسیج‌گر

مارتین کرامر محقق ارشد مسائل شیعه در مجموعه تشیع، مقاومت و انقلاب (۱۳۶۸) از پارادایم کربلا بعنوان موتور محرکه نیروهای شیعی برای طغیان شورمندان در مقابل ظلم یاد کرده است. این داوری کرامر بی‌راه نیست. مفهومی مانند خلافت در عالم سلفیسم تکفیری، بسیج‌گر نیست. منبع بسیج، سرمایه مهمی است که رزم و مقاومت را اولاً کم‌هزینه و ثانیاً داوطلبانه می‌کند. در این حوزه گروه‌های تکفیری بخصوص داعش موقعیت ممتازی دارند. شاهد موید

این داوری انبوه داوطلبانه انتحاری داعش در میدان‌های سوریه و عراق بود که در حکم یک ابزار نظامی قدرتمند و اثربخش به کار گرفته شد. این قابلیت در نزد شیعه محدود است برای این که حرمت خون و کشتن خود و نیز ریختن خون طرف مقابل محدودیت‌های جدی دارد و علمای پرشماری رای به عدم جواز عملیات انتحاری داده‌اند.

۹-۲-۵. پیشینه مبارزه و مقاومت دسته‌جمعی

رنج گذشته می‌تواند سرمایه اکنون و آینده باشد. محقق، رنج‌های گذشته را مایه پیوند افراد گروه، ملل و حتی خانواده نامیده است. به‌زعم وی، همان‌گونه که ماجرای هولوکاست، یهودیان را به هم پیوند زده است و عملیات‌های انفال وجدان مشترکی در بین کردهای جهان پدیدار ساخته است، واقعه عاشورا هم چنین وضعیتی دارد یعنی توانسته است شیعیان را از گسیختگی و بی‌هویتی برهاند. واقعه‌ی عاشورا بواسطه مناسک متنوع، شورانگیز، عدالت‌خواه و شورانگیزی که دارد بسیج‌گر است و این امر سرمایه نرم‌افزار بی‌نظیری است که فقط مفهوم ناسیونالیسم است که می‌تواند با آن برابری کند. گروه‌های تکفیری جز در حوزه خلافت‌خواهی و ضدیت با اشغال‌گری که مفاهیمی مورد مناقشه هستند هیچ مفهوم بسیج‌گری در اختیار ندارد.

۹-۲-۶. سواد سیاسی و آگاهی اجتماعی

اطلاع بهنگام آحاد جامعه در مورد موانع پیش‌رو و حرکت‌های نیروهای خودی و رقیب از یکسو و ایستادگی متعصبانه روی ارزش‌های خود، فرهنگ استراتژیک نامیده می‌شود که ترجمان امنیتی همان سواد سیاسی و آگاهی اجتماعی است. سواد سیاسی و فرهنگ استراتژیک گهگاهی در شرایط مطلوب است که بین مطالبه‌های مردم و سیاست‌ها و ساختارهای قانونی یک کشور یا گروه همپوشانی باشد. در خصوص این شاخص نیز موقعیت شیعه بسیار ممتاز است. علاوه بر دسترسی به شبکه‌های مجازی خبررسانی، کانال‌هایی که مختص نظام تشیع است مناسک ویژه و تحسین مقاومت در قالب مفاهیمی مانند زیارت، شفاعت، عزاداری و شبکه مساجد و حسینیه‌هایی است که در مناسبت‌های مختلف، محل تجمع شیعیان است. هر چند این شبکه بعضاً آلوده شده و از خلوص اولیه فاصله گرفته و تعداد ملتزمین عملی و

همیشگی به آموزه‌های دینی کاهش یافته اما این ساختار هم‌چنان (بویژه در شرایط بحرانی) تعیین کننده است.

از حیث این شاخص، موقعیت گروه‌های سلفی نیز مناسب است. انبوه مساجد باشکوه به همراه تعداد پرشمار نمازگزار و خطیب پرشور، آگاهی سیاسی، اجتماعی و سلفی‌های جهادی را افزایش قابل توجهی داده است. حمایت‌های قدرت‌های ثروتمندی مانند عربستان از تأسیس و مدیریت مساجد در اقصی نقاط جهان اسلام در این زمینه قابل توجه است. بعنوان نمونه، فقط در سوریه امروز، از بین ۹۰۰۰ مسجد موجود فقط ۳۰۰۰ مورد آن زیر نظر مزارت اوقاف است و بقیه با هدایت وهابی‌های عربستان هدایت می‌شود. به هر ترتیب، نقش مسجد در جهان اهل تسنن بسیار کلیدی است. مثلاً در شهر استانبول ترکیه بیش از ۲۵۰۰ مسجد وجود دارد که نیمی از آن فعال و میزبان میلیون‌ها نمازگزار می‌باشد.

۱۰. نتیجه‌گیری

اکنون و بعد از آشنایی با سازوکار تعیین مناطق عملیات از سوی گروه‌های سلفی - تکفیری، پرسش عینی و کاربردی این است که چه مناطقی استعداد میزبانی داعش و گروه‌های مشابه را دارند؟ آیا گروه داعش می‌تواند در هر منطقه‌ای استقرار پیدا کند؟ مناطق و میدانی که احتمالاً مورد توجه آنان خواهند بود کدامند؟ مطابق قواعد و ضوابط شش‌گانه‌ای که خاطر نشان شد، به نظر می‌رسد هر جایی که نفوذ دولت اندک باشد و یا هر منطقه‌ای که قابلیت تجهیز، اختفاء و فرار داشته باشد برای استقرار داعش مساعد می‌باشد. بر این اساس:

مناطق مرزی (مانند قندهار افغانستان و یا مثلاً و دیگر نواحی هم مرز با استان دیاله عراق)، مناطق کوهستانی و صعب‌العبور (مانند نواحی کوهستانی تورابورا و نیز صفحات کوهستانی غرب و حتی شمال ایران)، مناطق خالی از سکنه (مانند روستاهای دورافتاده جنوب کرمان)، مناطق فقیر از حیث مالی [مانند خراسان جنوبی] استعداد میزبانی گروه‌های جهادی تکفیری را دارند. اصلی‌ترین علامت اعلام حضور داعش و گروه‌های مشابه آن، شروع عملیات‌های انفجاری (تفجیر)، آدم‌ربایی و حملات انتحاری است که وقوع آنها، نشانه‌ای بر شروع عملیات گروه‌های رادیکال است. این موارد را نظریه‌پردازان بنیادگرای رادیکال به تفصیل پرداخته‌اند و

همان‌گونه که اشاره شد مهم‌ترین آنها عبارتند از: ابوبکر ناجی، ابومحمد المقدسی و ابوقتاده فلسطینی. لذا به عنوان واپسین عبارت تأکید می‌شود که راه شناخت و مقابله با حرکت‌های تکفیری از جنس داعش این است که اولاً قوه محرکه و پدیدار کننده حرکت تکفیری درک شود و در این زمینه مشخصاً روی مولفه احساس اشغال و تجربه اشغال و طرد (Exclusion) تمرکز شود و ثانیاً برای اجتناب از غافل‌گیری، لازم است عقبه و مخازن فکری این قسم حرکت‌ها در مراکز مطالعاتی جدی گرفته شود چون به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی ایران، بیش از آنکه با جریان‌های فکری «همین نزدیکی» آشنا باشند بیش از اندازه دل‌مشغول متفکران غربی هستند.

یادداشت‌ها

۱. نسخه عربی کتاب ادارت التوحش، نخستین بار در سال ۲۰۰۴ و به صورت یک جزوه هفتاد هشتاد صفحه‌ای از مخفی‌گاه چند عضو گروه‌های جهادی در عراق به دست آمد. این متن در غرب و در سال 2004 تحت عنوان *The Management of savagery* در اینترنت منتشر شد. کتابی با همین عنوان یعنی *The Management of savagery* هم منتشر شده است اما هیچ یک از مترجمین متاسفانه عنوان فرعی کتاب ابوبکر ناجی را نمی‌آورند که بسیار مهم است. عنوان فرعی کتاب اصلی (ابوبکر ناجی) این است: *اخطر مرحله ستم به الامه یعنی مرحله خطرناکتر که امت آن را پشت سر خواهد گذاشت*. اما عنوان فرعی متنی که ذیل عنوان مدیریت توحش منتشر شده، این است: *How America's National Security State Fueled the Rise of Al Qaeda, ISIS, and Donald Trump* (مدیریت توحش: چگونه وضعیت امنیت ملی آمریکا، زمینه ساز ظهور القاعده، داعش و ترامپ شد؟) اثر اخیر به قلم ماکس بلومنتال (*Max Blumental*) و در سال ۲۰۱۹ منتشر شده و متنی است کلاً بی‌ارتباط به نویسنده اصلی کتاب یعنی ابوبکر ناجی. طی سال‌های اخیر، در ایران هم حداقل سه ترجمه از این کتاب منتشر شده است (ترجمه آزاده گریوانی، نقد فرهنگ: ۱۳۹۶، ترجمه سوده منصوری و لادن احمدیان، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶ و ترجمه محمد حسین باقی، سال ۱۳۹۷ و توسط انتشارات سراسی).

۲. کتاب *مسایل من فقه الجهاد* (معروف له فقه الدماء یا فقه خون) در ۱۵ شعبان سال ۱۴۲۵ هجری برابر با ۱۳۸۳ شمسی و ۲۰۰۴ میلادی توسط ابو عبدالله المهاجر تقریر شده است. این کتاب مفصل، در ۵۷۴ صفحه، در ۲۰ فصل تنظیم شده است. روش نگارش و تنظیم مطالب کتاب بسیار قابل توجه است. بدین معنا که نویسنده کتاب ابتدا بحثی (مثلاً مشروعیت بریدن سر کفار محارب، موضوع فصل ۱۲ در ص ۲۶۹) را تیترو می‌کند و در ادامه به عنوان اولین گام در ایضاح و جا انداختن بحث، آیه‌ای از قرآن مجید (در اینجا: آیه ۱۲ از سوره مبارکه انفال) ذکر کرده و بلافاصله نظر علمای دیگر را ردیف می‌کند بدون هیچ گونه استدلالی فقط به نقل آرای القرطبی، الطبری، البیضاوی، عبدالله بن مسعود، الشعبی، البیهقی، البراء، ابی موسی الأشعری، المناوی، ابن الاثیر، الترمذی، النووی، و ده‌ها محدث دیگر می‌پردازد. مخاطب چنین متنی گمان می‌برد که این احکام مستخرج از مقدسات است در حالی که تفسیری بیش نیست.

۳. اثر فواد ابراهیم با عنوان داعش: نوستالژی خلافت (تهران: ترجمه محمدرضا بلوردی و میترا فرهادی، موسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵) مراحل سه‌گانه راهبرد داعش برای تغییر معادلات کنونی و تأسیس دولت اسلامی را تشریح کرده است (صص ۱۳۴ تا ۱۶۱). به زعم وی راهبرد تغییر داعشی سه مرحله دارد: النکایه، التوحش و التمکین.

۴. گزارش‌های مربوط به بازخیزی داعش در نیمه اول سال ۲۰۲۰ و همزمان با همه‌گیری جهانی کرونا یا *Corona Pandemic* در منابع انگلیسی ذکر شده است.

References

- 1.Hincks, Joseph (2020). with the world busy fighting Covid – 19 , could ISIS mount a resurgence? The Time , April 29, 2020.
- 2.Ibrahim, Fouad (2016) ISIS: Nostalgia for the Caliphate: Translated by Mohammad Reza Bolvardi and Mitra Farhadi, Noor Andishesazan Institute.[**In Persian**]
- 3.Naji, Abubakr (2018). Al-Tawhsh Administration, translated by Mohammad Hossein Baghi, Saraei Publications.[**In Persian**]
- 4.Robin, Alissa J (2020). ISIS Attacks Surges in Iraq , The Times , June 10, 2020.
- 5.The Map of ISIS Operations in Syria, pub. By Jusoor, 2020.05.07.